

واپسین

عصر طلایی هالیوود

جامعه، سیاست و سینمای دههٔ هفتاد آمریکا

| جاناتان کرشنر |

| نریمان افشاری |

Hollywood's Last Golden Age

| Jonathan Kirshner |

| Nariman Afshari |



اواپسین عصر طلایی هالیوود |

جانانان کرشنر |

ترجمه نریمان افشاری |

مدیر هنری و طراح گرافیک: سیاوش تصاعدیان |

ویراستار: هدیه رهبری | نمونه خوان: فرشید گرد مافی |

مدیر تولید: مصطفی شریفی | چاپ و صحافی: سپیدار |

چاپ اول | ۱۳۹۶ تهران | ۱۵۰۰ نسخه |

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۸۰۶-۳۷-۱ |

انتشر بیگل | Bidgol Publishing co. |

فروشگاه | تهران | خیابان انقلاب | بین فروردین و فخر رازی | پلاک ۱۳۷۴ |
تلفن انتشارات: ۲۸۴۲۱۷۱۷ | تلفن فروشگاه: ۶۶۹۶۳۶۱۷ |

همه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است |

www.nashrebidgol.ir |

| فهرست |

۹	پیش‌گفتار مترجم
۱۳	درآمد
۱۷	فصل یک . پیش از سیلاب
۴۷	فصل دو . سخنی درباب نسل من
۹۳	فصل سه . ۱۹۶۸، نیکسون و چرخش به درون
۱۲۷	فصل چهار . امر شخصی سیاسی است
۱۴۹	فصل پنج . شهرهای در حال فروپاشی و تاریخ تجدیدنظرطلب
۱۹۱	فصل شش . حریم خصوصی، پارانویا، سرخوردگی و خیانت
۲۳۹	فصل هفت . شوالیه‌های سفید دریاس و جودی
۲۷۱	فصل هشت . تاجران شراب مرا می‌نوشند
۳۱۱	ضمیمه
۳۲۵	پی‌نوشت
۳۶۹	نمایه

| درآمد |

در دوران دانشجویی دربارهٔ فیلم‌ها بحث می‌کردیم. یک بار بحثمان پس از تماشای محلهٔ چینی‌ها حسابی بالا گرفت. دیروقت بود و زیر نور خیابان‌ها بی‌توجه به آمد و شد ماشین‌ها راه می‌رفتیم و صدایمان به قدر کافی بالا بود که بی‌مبالاتی تلقی شود. چنین بحث‌هایی به ندرت به نتیجه می‌رسیدند اما در واقع بنا هم نبود که برسند. پیشرفت بحث بر این اساس سنجیده می‌شد که مثلاً بپذیریم شواهد و قرائن قابل توجهی ارائه شده است یا خیر؛ که معمولاً یا در قالب یک وجه شرطی خلاف بحث ارائه می‌شد («اگر تفسیرت درست است پس فلان نما را چطور توجیه می‌کنی؟»)، یا با پذیرفتن یک دیدگاه جدید پایان می‌یافت («قبلاً این طوری به آن نگاه نکرده بودم.»).

مباحثهٔ خوب مصاحبت خوب ایجاد می‌کند. در لحظهٔ خاصی انگار توافق کردیم که قد و قوارهٔ فیلم را می‌توان برحسب مدت زمان بحثی که پس از آن درمی‌گیرد سنجید. مسلماً هر فیلمی بحث‌هایی چنین پربار و مفصل به بار نمی‌آورد، ولی ما سرمان درد می‌کرد برای فیلم‌هایی که این کار را می‌کردند. خیلی زود دریافتم که من جذب فیلم‌های اواخر دههٔ شصت و هفتاد شده‌ام که بیشترشان انگار برای برپا کردن چنین بحث‌هایی طراحی و ساخته شده بود. از قضا (یا شاید من این طور فکر می‌کنم) من به عنوان یک دانشجو و بعدها استاد علوم سیاسی کشتی مقاومت ناپذیر به سمت تاریخ سیاسی و اجتماعی آن برههٔ خاص در خود داشتم؛ ویتنام، جنبش زنان، روابط نژادی، وانترگیت. و بعد مشخص

شد که در همان زمان موسیقی راک نیز رو به بلنداهای تازه‌ای سربرمی‌کشید. مشخصاً در آن مقطع چیزی در حال رخ دادن بود.

این کتاب به چیزی می‌پردازد که من آن را «سینمای دهه هفتاد» در بستر زمانه خود می‌نامم. با وجود آنکه در زمینه مطالعات سینمایی مطالب بسیاری درباره این مقطع نوشته می‌شود، و اهالی علوم انسانی نیز با ارجاع به معیارهای فرهنگی، قلمروی غنی و جذاب دهه شصت و هفتاد را همچنان درمی‌نوردند و کشف می‌کنند، اما هدف من در این کتاب آن است که به سینما و نیز خود آن دوران به صورت جدی بپردازم و به بنیادی‌ترین شکل ممکن وابستگی متقابل و درهم‌تنیدگی ذاتی این دو را نشان دهم. بنابراین من فیلم‌ها را به عنوان تصویری که صرفاً تاریخ و سیاست آن دوران را بیان می‌کنند معرفی نمی‌کنم، بلکه با خوانشی دقیق از برخی فیلم‌های خاص نشان می‌دهم که این‌ها - این فیلم‌های تجاری هالیوودی - از مقولات سیاسی، اجتماعی، فردی و فلسفی زمان خود شکل گرفته‌اند و درعین حال با این مقولات در حال گفت‌وگو هستند.

«دهه هفتاد» که در اینجا بدین صورت بازتعریف می‌شود که اواخر دهه شصت را دربرمی‌گیرد و اواخر دهه هفتاد را شامل نمی‌شود، عصر طلایی و درعین حال دوران تجدیدنظر در سینمای آمریکاست. در این دوران روال‌های سنتی صنعت سینما یعنی قواعد و معیارهایی که تعیین می‌کنند کدام داستان‌ها می‌توانند گفته شوند و چگونه باید گفته شوند به چالش کشیده می‌شود. مسلماً هیچ‌یک از این حرف‌ها به این معنا نیست که همه فیلم‌های دهه هفتاد «خوب»، یا فیلم‌های قبل (و بعد از آن) «بد» هستند، بلکه غرض نشان دادن این است که این دهه به شکل غریبی سرشار از دستاوردهای سینمایی است، و در واقع یک «عصر» است. یعنی این دوره با دسته‌ای از فیلم‌ها مشخص می‌شود که به شکل قابل ملاحظه‌ای با اسلاف خود متفاوت بودند و می‌توانست به عنوان دورانی مجزا و قابل تشخیص درک شود، دورانی کوتاه که مانند باز و بسته شدن یک پنجره آمد و رفت. دوران سینمای دهه هفتاد نوعی جداسری از روال داستان‌گویی خطی پیشین را که زمینه اخلاقی روشنی داشت بازتاب می‌داد و به سمت اکتشافات خودآگاهانه و سخت‌پاره‌رخدادهای پیچیده‌ای می‌رفت که ساختار هنجاربنیاد معمول جامعه را به

چالش می‌کشید. دو عامل مرتبط به هم به انجام این گذار کمک بسیاری کردند: پایان سانسور فیلم‌ها، و تغییرات در صنعت سینما و جامعه آمریکا که هرچند مدت‌ها بود که شکل گرفته بود، اما در میانه دهه ۱۹۶۰ به وضوح و به شکلی مقاومت‌ناپذیر خود را نمایان می‌ساخت. ده سال بعد مجموعه عوامل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی شرایطی را به بار آوردند که چندان برای سینمای دهه هفتاد مساعد نبود و بنابراین فرهنگ ملازم این سینما نیز از بین رفت.

مسئله تاریخ دودستی به ما تقدیم نمی‌شود، و رویدادها نیز در یک برنامه مشخص و ضرورتاً در یک توالی مناسب آشکار نمی‌شوند. مشاهده‌گران می‌کوشند با نگاه به گذشته نوعی نظم را برگزیده‌عاری از نظم تحمیل کنند و بدین وسیله برای آن معنایی بیافرینند. پاره‌رخدادهای نامرتب در زمره «آغازهای کاذب» دسته‌بندی می‌شوند، چیزهایی «پیش از زمان آن‌ها» اتفاق می‌افتد و رخدادهایی که از فهم می‌گریزند به مثابه «پژواک‌هایی از گذشته» روی می‌دهند. در این میان نقطه عطف‌های مهم شکل می‌گیرند که برای مشارکت‌کنندگان آزرده‌ای که آن‌ها را تجربه می‌کنند چندان واضح نیستند.

این واقعیات آشفته منعطف‌ترین تلاش‌ها را پیچیده می‌کند، مانند تاریخ جنگ سرد. (چه زمانی آغاز شد؟ آیا اجتناب‌ناپذیر بود؟ قواعد آن چه بود؟ چرا پایان یافت؟) چنین حالتی در باب تاریخ سینما نیز صادق است، به ویژه که دل‌خواهی بودن تولید و برنامه‌پخش فیلم‌ها «تاریخ‌گذاری» هر فیلم خاص را دشوار می‌کند. با این همه من معتقدم که تصور جمعی بر آن است که از ۱۹۶۷ تا ۱۹۷۶ نوع خاصی از سینمای آمریکارشد و رونق یافت. من آن را سینمای دهه هفتاد می‌نامم، اما **هالیوود جدید** یا **موج نوی آمریکا** نیز نام گرفته است، عباراتی که بر تغییر نسل و نیز بر نوعی تأیید تأثیرات و فضای «جدید» هنری سینمای اروپا در دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ دلالت می‌کرد.

بدین ترتیب، کتاب حاضر در باب سینمای دهه هفتاد بنا نیست که بررسی جامع همه فیلم‌های (یا سیاست و تاریخ) آن دوران باشد. درست است که **هالیوود جدید** رشد کرد، اما در کنار آن همچنان تعداد کثیری از فیلم‌های **هالیوود قدیم** نیز تولید می‌شد. و در این میان بسیاری از آثار موفق - احتمالاً موفق‌ترین‌ها از جمله فرودگاه، قصه

عشق و آسمان خراش جهنمی^۱ - نادیده گرفته می‌شوند. برخی از ژانرهای قابل ملاحظه آن دوران نیز - از جمله فیلم‌های فاجعه، سینمای وحشت، و فیلم‌های استثمار سیاهان - در حاشیه قرار می‌گیرند. کمدی‌ها نیز کمتر ارائه می‌شوند (از جمله فرانکشتاین جوان، فیلمی که من بسیار دوست دارم و در ۱۹۷۴ پخش شد، اما جزء فیلم‌های دهه هفتاد محسوب نمی‌شود). برخی از این انتخاب‌ها اصلاً کار ساده‌ای نبود؛ آثار برجسته تکره‌هایی مانند استنلی کوبریک و جان کاساوتیس در این زمره جای نمی‌گیرد. به دیگر شخصیت‌های مورد علاقه‌ام مانند آلفرد هیچکاک و وودی آلن نیز به شکلی گذرا در این کتاب پرداخته خواهد شد (شاید گفته شود که آلن تعهد سینمای دهه هفتاد را به دهه‌های هشتاد و نود منتقل کرد، اما به‌رحال مهم‌ترین کمک‌های او به این جریان پس از سال ۱۹۷۶ اتفاق افتاد).

واپسین عصر طلایی هالیوود دغدغه نوع خاصی از سینما - سینمای دهه هفتاد - را در سر دارد که زاده این دوران است، مشخصه‌های قابل تشخیص دارد و به شکلی عمیق و عامدانه درگیر دغدغه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دوران خویش است. فیلم‌هایی که در صفحات آتی به آن‌ها پرداخته خواهد شد خرده‌فرهنگی منسجم را بازتاب می‌دهند. در ضمیمه‌ای که در پایان کتاب آورده شده است فهرستی زمان‌مند (بر اساس تاریخ اکران فیلم‌ها در ایالات متحده) از یکصد فیلم دهه هفتاد ارائه می‌شود که برای هر مدخل بخشی از دست‌اندرکاران اصلی هر فیلم چه روی صحنه و چه پشت صحنه معرفی می‌شوند. هرچند این انتخاب‌ها نوعی تحمیل مطالب اضافه در کتاب به نظر می‌رسد، اما در واقع برای نشان دادن گستره دستاوردهای آن دوران در کتاب آمده است. در نظر گرفتن پنجاه فیلم دهه هفتادی برای پنج جایگاه نهایی فیلم‌ها، و نیز انتخاب بیست فیلم به‌عنوان فیلمی با جایگاه محوری، این فهرست را به فهرستی بحث‌برانگیز - در بهترین معنای کلمه - تبدیل می‌کند.